



دیدگاهی از : داکتر حمیدالله مفید



## پیشنهادی در پرتو تشکیلات جدید

روز چهارشنبه مورخ 26 جنوری 2010 ، درفش وحدت و همپیوندی تشکیلاتی میان دو سازمان خردورز، دموکرات، هماندیش و همسو ، نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان و حزب متحد ملی افغانستان در شهر کابل، برافراشته گردید . این رویداد برجسته و درخشان نقطه ی عطفیست در تاریخ پر فراز و فرود خانواده ی چپ و دموکراتیک که باید بآن نگرست.

طی سالیان دور و درازی که سایه های بی باوری و بی اعتمادی در قامت نهضت چپ و دموکراتیک کشور چیره گردیده بود این نخستین گام فرازنده و فروزنده بیست که در راه نجات اندیشه چپ دموکراتیک در کشور عزیز ما افغانستان برداشته شد . در این کار گاه، گام های اساسی را هموندان و رهبران این دو سازمان برداشتند و کار همگانی همه رهبران خرد اندیش و بویژه رفقا: بزرگ و علمی به مثابه پرچمداران دلیر و از خود گذر، درج رویه های زرین تاریخ نهضت چپ و دموکراتیک خواهد گردید.

لازم است تا این روز سترگ را به مثابه جشن بزرگ وحدت و همسویی پنداشت و به شادمانی نشست . و همچنان لازم است تا فروغ خورشید تابان وحدت تشکیلاتی را به همه هموندان و هماندیشان خانواده بزرگ چپ و دموکراتیک، به شورا های رهبری هردو سازمان و به رهبران از خود گذر و درست اندیش هردو سازمان رفقا: علمی و بزرگ شادباش گفت و به تکمیل هرچه زودتر کار وحدت برایشان کامگاری آرزو نمود.

اما در این کارگاه :

بنیاد تشکیلاتی در سازمان های چپ و دموکراتیک بر پایه تشکیلاتی احزاب و سازمانهای همسو و هم قمر پیشین نهاده شده بود ، در این بنیاد تشکیلاتی، بیروی سیاسی، دارالانشاء، هیات اجرائیه ، هیات ریسه ، شورای رهبری و رهبران فردی بدیده نگرسته شده بودند . در راس سازمان یک نفر به مثابه سخنگو ، منشی عمومی ، رییس کل و یا مسول گزیده میشد و او در تمام دوره ها تا تغییر اساسی در بالای هر قدرت جا داشت . همین فردی بودن قدرت در این احزاب موجب آن می گردید تا همه برجسته گان و نخبه گان که نخبه و یا برجسته بودند یا نبودند تلاش می کردند، تا در بالای این هرم جا بگیرند . جای مبارزه به خاطر اندیشه و دیدگاه را مبارزه بخاطر بدست آوردن قدرت زیر سایه می گرفت ، همه تلاش می کردند تا یکبار در این جایگاه بخرامند، این خرامش به پیدایش فراکسیون ها و گروپ های سیاسی در داخل احزاب چپ و دموکراتیک ، انجامید ، هر شخصی که تنور فراکسیون بازی ها را داغ یافت تا توانست به خود گروه و یا دسته آفرید و نان فراکسیونش را در تنور سیاست پزید ، در براین این خام پردازی ها و فراکسیون سازی ها، روزگار سازمان های چپ و دموکراتیک پس از سقوط ، سیاه و تنه های تنومند آنها پارچه ، پارچه شد و بدون اینکه تغییری در دیگاه و یا اندیشه آن ها پدیدار گردد ، درخت شکوهمند و نیرومند تشکیلاتی این سازمانهای قربانی خود نگری ها ، منم پنداری ها و فراکسیون بازی ها شد .

اما سازمانهای چپ و دموکراتیکی که در کشور های سرمایه داری بدور از ماهواره مبارزه میکردند و دموکراسی

و مردم سالاری را برتر از ایدئولوژی میپنداشتند و به این باور بودند که اندیشه و ایدئولوژی در خدمت مردم باشد تا مردم در خدمت اندیشه و ایدئولوژی، کارگاه تشکیلاتی شانرا بر بنیاد تعدد قدرت پی نهادند.

در میان این سازمانها از احزاب کمونیست و کارگری، احزاب سوسیالیست، احزاب سوسیال دموکرات، احزاب چپ، سازمانهای سبزها و محیط زیست در کشورهای سرمایه داری، میتوان نامبرد که بنیاد تشکیلاتی زیادترین این احزاب که از ماهواره، خود را بدور نگهداشته بودند، بر بنیاد چندین قدرتی استوار گردیده است. در این سازمانها سیستم تشکیلاتی چنین است:

1- سکرتر جنرال یا رییس اداره و سازماندهی: این پست مسولیت مالی، اداری ملکیتها و تشکیلات حزب را بدوش دارد و از جانب سکرترهای اداری ایالات و یا ولایات پیشنهاد میگردد و از جانب کنگره و یا شورای گزینشی گزیده میشود. در تمام کارکرد هایش صلاحیت عام و تام دارد.

2- رییس کل یا رهبر سیاسی که در جایگاه بالایی دفتر سیاسی و یا هیات اجراییه حزب و یا سازمان قرار دارد و از جانب کنگره گزیده میشود، وظیفه این پست رهبری امور اندیشوی و سیاسی است و در مسایل سیاسی در راس دفتر سیاسی و یا هیات اجراییه قرار دارد و تنها در حل مسایل سیاسی میپردازد.

3- رییس عمومی و یا سر دبیر رسانی و تبلیغی که در رأس نشرات، روزنامه بروشرها، تلویزیونها قرار دارد و از جانب شورای دبیران و منشیهای رسانی انتخاب و از جانب کنگره گزیده میشود.

4- رییس فراکسیون پارلمانی که از جانب نمایندگان برگزیده در پارلمان گزیده شده و از جانب کنگره تایید میشود او در سیاست سازی هایش در پارلمان با صلاحیت و مستقل است و بر بنیاد برنامه و اساسنامه سازمان و اهداف سیاسی حزب کار و فعالیت میکند. در اساسنامه احزاب صلاحیتها و وظایف این پستها مشخص است همه کارها با شوراها که در عرصه های بالایی گزیده شده اند به انجام میرسد و یکی در کار دیگر دخالت نمی کند و این امر موجب میشود تا جای فراکسیون سازی و فراکسیون بازی را رهبری جمعی و پاسخدهی فردی بگیرد.

در این احزاب شعبات تشکیلات، مالی، رسانی و فرهنگ یا تبلیغ و ترویج، تفاهم، و غیره وجود ندارد و کارها از جانب روسای عرصه های ذکر شده پیش میرود.

بر بنیاد همین تعدد قدرت است که همه رهبران در تفاهم با هم کار میکنند و کسی دنبال کسی نمی رود بلکه دنبال کار و وظایفش که بخاطر مردم و جامعه است سرگردان می باشند.

پیشنهاد میشود که در تشکیلات جدید حزب فراهم شده این دیدگاه پیشبینی گردد و یا کمیسیونی موعظف شود تا کم از کم این دیدگاه را به بررسی بگیرد. خالی از مفاد نخواهد بود. با درود